

## ستون اول

## در اعماق جامعه

چند نمونه و فقط در يك هفته، از میان آمار وسیع درگیریها و جدال مردم با رژیم بر سر آزادی و حرمت انسانی و در دفاع از معیشت و زندگی، نشان میدهد که در اعماق جامعه اختناق زده ما جوش و خروشی مداوم در جریان است. از طرفی زورگویان، واعظان و نادبان فقر و تبعیض و بردگی به کشتن زندگی ادامه میدهند. و در مقابل، عشق به زندگی و رفاه و خوشبختی، دشمنان زندگی را به مصاف میطلبند.

ببینید:

## اعدام دسته جمعی

در نخستین روز سال جدید میلادی، ۱۳ نفر از جمله یک زن جوان و مادر دو کودک خردسال بدار آویخته شدند. زن اعدام شده راحله زمانی نام دارد و مادر دو کودک پنج و سه ساله است. به گفته عفو بین الملل تعداد اعدامها در ایران در سال ۲۰۰۷ میلادی نسبت به سال پیش دو برابر، یعنی بالغ بر ۳۰۰ نفر است. این آمار تنها مواردی را شامل می شود که خبر آن در رسانه ها منعکس شده است.

## احمدی نژاد و نیروی انتظامی

درگیری ماموران زن و مرد نیروهای انتظامی با مردم - بویژه زنان- در خیابان ها و به بهانه طرح ارتقاء امنیت اجتماعی، ترس رژیم ن تشدید کرده است. این وحشت به گونه ایست که در روزهای اخیر دولت کوشیده است شانه خود را از زیر این بار بیرون بکشد، چرا که دسته بندیهای درون رژیم، عمدتاً می کوشند حساب خود را از حساب دولت احمدی نژاد جدا کنند. در حالیکه سخنگوی دولت کوشیده است نقش احمدی نژاد در این رابطه را انکار و تکذیب کند، سردار اشتری، رئیس پلیس امنیت نیروی انتظامی گفته است، نیروی انتظامی بی تقصیر است! طرح جامع عفاف را شخص احمدی نژاد ابلاغ کرده!

## قوه قضاییه و سپاه

قوه قضاییه طی "گلابه ای" به دفتر خامنه ای اطلاع داده است که سپاه پاسداران خود را وارد عرصه های امنیتی کرده و در بند ویژه ای که در زندان اوین در اختیار دارد مرتکب رفتارهایی می شود که به اعتبار این نیرو بویژه

مصاحبه تلویزیون پرتو با کورش مدرسی

## شکست آمریکا و تاثیرات آن بر احزاب سیاسی و جنبش ها

... انقلاب ۵۷ این شعور بدوی بورژوازی را تا آخرین حلقه های این طبقه به آن شیر فهم کرد. در نتیجه بخصوص بعد از انقلاب ۵۷ طبقه سرمایه دار و دارای ایران و طبقه ای که خود را مالک و صاحب جامعه کرده است، دیگر حاضر نیست از هر شلوغی ای حمایت کند. میگویند "هزینه دارد"، "شلوغ نکنید" و ... اینها به جز در شرایطی که بر پرچم تحرک اجتماعی تماما کنترل داشته باشند (مانند تحرکات ناسیونالیستی و فاشیستی) ضد تحرک اجتماعی هستند.

ص ۳



## تا آزادی کلیه دانشجویان و فعالین کارگری از پای نخواهیم نشست

## گزارشی از کمیته خارج کشور حزب حکمتیست

شهرهای عمده اروپا، لندن، استکهلم، گوتنبرگ، زوریخ، هلسینکی تا آمریکای شمالی، اتاوا، لوس آنجلس، بروکسل و ... شاهد تجمع های اعتراضی ایرانیان خارج کشور در حمایت از فراخوان "دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب" دانشگاه های ایران در تبدیل روز ۲۸ دسامبر به روز همبستگی با دانشجویان دستگیر شده توسط رژیم اسلامی بودند.

ص ۵

## مجامع عمومی کارگری را برپا کنیم

## مظفر محمدی

کارگر به عنوان حامی جنبشها و اعتراضات و مبارزات در جامعه است. بیانیه و قطعنامه حمایت میدهد و رژیم را از تعرض به آزادیها و پایمال کردن حرمت انسان در جامعه، حرمت زن و کودک و از دستگیری و زندان و شکنجه برحذر میدارد و هشدار میدهد.

ص ۲

... مجمع عمومی سنگر همین امروز کارگران برای دفاع از حقوقشان، برای گرفتن حقوقهای معوقه، برای لغو قراردادهای موقت کار، علیه طرح تعدیل و برای افزایش سالانه دستمزدها به نسبت تورم و نیاز خانواده کارگری است. مجامع عمومی همچنین در شرایط تحولات سیاسی مهم محل ابراز وجود متشکل طبقه

## وزارت اطلاعات از ملاقات خانواده ها جلوگیری کرد

نماینده کمیته تلاس برای رهایی دانشجویان در بند گزارش می دهد که پس از ورود اولین سری از خانواده های دانشجویان در بند به سالن ملاقات، و پس از مدت طولانی ای انتظار، از صورت بیرفتن ملاقات ایشان با عزیزانشان جلوگیری شد.

ص ۷



## ساعات پخش:

۸:۳۰ تا ۹:۳۰ هر شب به وقت تهران  
تکرار: روز بعد ۲:۳۰ تا ۳:۳۰ بعد از ظهر،  
هات برد، کانال ۶

پرتو نشریه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، هر هفته دو شنبه ها منتشر می شود!  
پرتو را بفهناید و به دوستان خود معرفی کنید!

زنده باد سوسیالیسم

→ در شرایط فعلی که نیاز به تقویت اعتبار ملی سپاه است لطمه وارد می کند!

### دستگیری های جمعی در اهواز

روز یکشنبه ۹ دیماه نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی در اهواز به اجتماعی که بمناسبت هفتمین روز کشته شدن مهدی حیدری در مناطق فقیر نشین شلینگ آباد و منطقه خشایار برگزار شده بود، هجوم برده و حداقل ۲۰۰ نفر را دستگیر نموده و آنها را با ماشین های نظامی و امنیتی به نقطه نامعلومی بردند.

### اعتراض در بندر ترکمن

روز یکشنبه ۹ دی ماه، جوانان ماهیگیر بندر ترکمن با بیش از ۳۰ خودرو و ۶۰ موتور سیکلت در اعتراض به کشته شدن جوانی ماهیگیر به نام عمدی حسام، به پاسگاه حراست نیروی انتظامی واقع در غرب روستای چپاقلی حمله برده و ساختمان آنرا به آتش کشیدند. سپس اعتراض کنندگان به ساختمان فرمانداری شهرستان بندر ترکمن رفته و اکثر لوازم ساختمان و شیشه های آن را شکستند. در این روز رژیم در بندر ترکمن حکومت نظامی اعلام نشده ای را برقرار کرد.

### تجمع گسترده مردم در شیراز

در جریان ادامه طرح موسوم به «امنیت اجتماعی» در خیابان عقیق آباد (از مناطق شمال شهر شیراز)، تجمع گسترده ای از مردم معترض شکل گرفت که با ماموران و لباس شخصی ها درگیر شدند...

این تنها گوشه ای کوچک و در مدت زمانی کوتاه و چند روزه از یک غلیان عظیم اجتماعی است که نمیخواهد زیر بار زور برود. از آنطرف نیز مستبدین و مسببین فقر و فلاکت مردم گاهی چنگ و دندان نشان میدهند و همزمان به خاطر بی اطمینانی از سرنوشت حکومتشان، جانب احتیاط را نگه میدارند.

این جدال میتواند و باید به نفع انسانیت و آزادی و خوشبختی تمام شده و حساب زورگویان و جانبیان را کف دستشان بگذارد. تغییر این توازن قوا به نفع پیروزی مردم، بر عهده طبقه کارگر آگاه و حزب سیاسی کمونیستی کارگری اش قرار گرفته است \*

## مجامع عمومی کارگری را برپا کنیم

### مظفر محمدی



خانه بفرستیم. مجمع عمومی برای کارگران و بخصوص فعالین کارگری راهی آشنا و عملی است. اما این کار

نه سنت گذشته و نه قرب و جایگاهش شناخته شده است. مجمع عمومی منظم کارگری، همان مجامع عمومی که هر شرکت و اداره و تعاونی و هر گروه مردم هر از چندگاهی مثلا سالی یک بار برگزار میکنند، و پس از رتق و فتق امور هر کس به خانه اش برمیکرد، نیست. اگر مجمع عمومی را به این معنا بگیریم، تشکل نیست. بورژواها هم در سیستم اداره امورشان گاهی مجامع عمومی این و آن بخش خود را دارند.

اما مجمع عمومی کارگری، اجتماع سالانه کارگران برای شنیدن بیلان سود سرمایه داران و یا رتق و فتق امور کارخانه نیست. مجمع عمومی سنگر دایم و تعطیل ناپذیر و مدام در دسترس همه کارگرانی است که زیر سقعی با هم کار میکنند. سنگری که منتظر اجازه و اساسنامه و

آیین نامه نیست. جایی است که کارگران در آن میایستند و نه تنها اجازه هیچ تعرضی را به سطح معیشت خودشان نمیدهند بلکه از طریق آن و با انتخاب نمایندگان در همین مجامع عمومی و فرستادنشان به جلو صحنه، برای بهبود شرایط کار و سطح معیشتشان دست به تعرض و پیشروی میزنند. حتی ضامن ادامه کاری هر تشکل صنفی از قبیل سندیکا و اتحادیه و یا انجمنهای کارگری هم همین مجامع عمومی کارگری است. اگر کارفرماها و یا دولت بتوانند نمایندگان یک سندیکا یا اتحادیه کارگری را به زندان بفرستند یا

اجراج و از دور خارج کنند، اما نمیتوانند مجمع عمومی منظم کارگران را تعطیل کنند. نمیتوانند مانع حضور کارگران و دخالت مداوم در مسایل کار

جواب به این سر راستی است: قبل از هر چیز باید گریبان سیاستی را گرفت که تا حالا طبقه کارگر را به راست و چپ برده است. گرایشاتی در درون کارگران هستند که تا طبقه کارگر و بخصوص رهبران و فعالین کارگری تکلیف خود را با آنها روشن نکنند کاری از پیش نمیرود. گرایش کارگران را سالهای سال است نسبت به این و آن جناح و دارو دسته رژیم متوهم نگه داشته است.

این گرایش که یک سرش در شوراها و اسلامی کار و خانه کارگر و گوشه دیگرش در میان جریان اصلاحات و غیره است، هر روزه کارگران را به دیوژگی به درگاه این و آن آیت الله و بیت امام و مجلس و غیره میکشانند و حقوق کارگر را از دشمنان کارگر گدایی میکنند. این سیاستی کاملا ضد کارگری و شدت مضر بوده و تا حال خیری به کارگر نرسانده هیچ بلکه بیش از دو دهه است که وقت طبقه کارگر را کشته و او را در انتظار نگه داشته است.

گرایشی به ظاهر چپ و در عمل پاسیو هم گاهی اینجا و آنجا در میان بخشی از فعالین کارگری خودنمایی میکند. کار این گرایش جز ایجاد سرگیجه و دور کردن کارگران از سیاست و حزبیت کمونیستی و کارگری نیست. حتی اکونومیست نامیدن این جریان در درون جنبش کارگری برایشان زیاد است. آخرین دسته گل این چپ سنتی و غیرکارگری این است که میگویند: "مجمع عمومی تشکل نیست". طبقه کارگر چاره ای ندارد جز اینکه یقه خود را از این گرایشات رها کند.

مجامع عمومی کارگری را باید دودستی چسبید مجمع عمومی کارگری را برپا کنیم. خانه کارگر و نمایندگان اصلاح رژیم را برای همیشه به

تشکل مهمترین و گرهی ترین مساله طبقه کارگر و شاید بتوان گفت کلید حل همه مسایل او است. هر دولت بورژوازی که سر کار میاید قبل از هر چیز سعی میکند برای کنترل طبقه کارگر راهی پیدا کند. همانطور که جمهوری اسلامی با شوراها و اسلامی و خانه کارگرش این کار را کرده است. نزدیک سه دهه است طبقه کارگر ایران را این دو تشکل دولتی و ضدکارگری کنترل کرده و مبارزاتشان را به بیراهه میبرند.

### چرا چنین است؟

اختناق است و تشکل مستقل کارگری را اجازه نمیدهند. طبقه کارگر را به فقر و فلاکت و گرسنگی کشانده اند، ناامنی شغلی و بیکاری یقه کارگر را گرفته است، قانون کار کارگری وجود ندارد و دهها مصیبت دیگر گریبانگیر جامعه که طبقه کارگر را هم تحت تاثیر مخرب خودش قرار داده است... هر کدام از این مصایب و فشارهای غیرانسانی کافی است تا کمر هر انسانی را خم کند. شرایط ضد کارگری و ضدانسانی محیط کار قابل توصیف نیست. یک بردگی تمام عیار است.

اما هنوز همه اینها جواب به سوال فوق نیست! تازه خود این مصایب علامت سوال را گنده تر کرده است! چرا کارگران متشکل نیستند؟ چرا طبقه کارگر سه دهه است به شوراها و اسلامی و خانه کارگر تن داده است؟ جواب این سوال را از هر تک کارگری نمیشود خواست. این برعهده رهبران و فعالین کارگری افتاده است. شوراها و کارگری و مجامع عمومی سالها است در میان طبقه کارگر و دو نسل قبل و بعد از قیام بهمن نام و راهی آشنا است. سندیکا را هم که همه میشناسند. تشکل صنفی کارگر را ظاهرا قانون کار رژیم هم به رسمیت شناخته است. پس مشکل کجا است؟

## شکست امریکا و تأثیرات آن بر احزاب سیاسی و جنبش‌ها

مصاحبه تلویزیون پرتو با کورش مدرسی

**تلویزیون پرتو:** حمله آمریکا به عراق و جنگ ۴-۵ سال گذشته و شکست آمریکا، تأثیرات مهمی بر اوضاع منطقه و اوضاع جهان داشته است. بطور مشخص تأثیرات این شکست بر احزاب سیاسی و جنبش‌ها و افق‌شان در جامعه ایران چگونه بوده است؟ شما قبلاً هم به این مساله اشاره کرده اید که به دنبال شکست آمریکا در عراق، احزاب سیاسی و نیروهایی که به این جنگ دل خوش کرده بودند، بی‌افق شدند و چشم انداز تاریکی در مقابل‌شان قرار گرفت. این آن مقطعی است که در چند ماه قبل اتفاق افتاده است. این جریانات به آمریکا امید بستند و امیدوار بودند که در نتیجه پیروزی آمریکا آنها به جایی برسند. احزاب سیاسی منظوم است. جنبش‌های سیاسی هم از این احزاب متأثر بودند. در کنار اینکه احزاب ناسیونالیست و راست و قومی افق‌شان را از دست دادند جنبش سرنگونی به نوعی افق فاحشی کرد. ارتباط اینها را با هم چگونه توضیح می‌دهید؟

**کورش مدرسی:** احزاب نماینده جنبش‌ها هستند. انقلاب ۵۷ در ایران سنت سیاسی دو طبقه را در ایران بالغ کرد. یکی جنبش کمونیسم طبقه کارگر است و یکی بستر اصلی جنبش بورژوازی. وقتی انقلاب ۵۷ شروع شد همه بورژواها از بورژواهای ناراضی به اصطلاح ملی تاروسای ادارات و از کارخانه دارها و مزرعه دارها تا بخش‌هایی از بالاترین رده‌های دولتی و همه، شروع به تظاهرات علیه شاه کردند. به هر دلیل قدر نظم بورژوائی موجود را کاملاً نمی‌دانستند. انقلاب ۵۷ این شعور بدوی بورژوازی را تا آخرین حلقه‌های این طبقه به آن شیر فهم کرد. در نتیجه بخصوص بعد از انقلاب ۵۷ طبقه سرمایه دار و دارای ایران و طبقه‌ای که خود را مالک و صاحب جامعه کرده است، دیگر حاضر نیست از هر شلوغی ای حمایت کند. می‌گویند "هزینه دارد"، "شلوغ نکنید" و ... اینها به جز در شرایطی که بر پرچم تحرک

اجتماعی تماماً کنترل داشته باشند (مانند تحرکات ناسیونالیستی و فاشیستی)، ضد تحرک اجتماعی هستند. این یک طرف قضیه است. طرف دیگر این تغییر، کمونیسم طبقه کارگر است. اگر بخواهیم ببینیم کمونیسم و طبقه کارگر چه تغییری کرده، باید ذهنیت و سیاست امروز خودمان را با سال ۵۷ مقایسه کنیم. سال ۵۷ بسیار نپخته، عموماً با تصویری بسیار آغشته به جنبش‌ها و سنت‌های بورژوازی وارد انقلاب شدیم که با فهم و خود آگاهی امروز مان تماماً متفاوت بود.

در نتیجه بورژوازی این تصور را دامن زد که آمریکا قرار است جمهوری اسلامی را بیاندازد و لازم به شلوع کردن هم نیست. احتیاج به سازمان، احتیاج به تشکل، احتیاج به حزب رادیکال و میلیتانت هم نیست. و این را به عنوان یک تاکتیک ایده الیزه کردند. جلو افتادند و دایره و دمبک دموکراسی آمریکا را دست گرفتند. این دید، این افق، و این انتظار عمیقاً در جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی بازتاب و نفوذ داشت. با شکست آمریکا در عراق افق ناسیونالیسم پرو غرب هم شکست خورد و با توجه به نفوذ این ایده‌ها جنبش سرنگونی هم به

**اشتباه است اگر احزاب را بر اساس اسمشان دسته بندی کنیم. اگر ما قبول کنیم اسم احزاب چیزی راجع به آنها میگوید انوقت باید قبول کنیم که حزب دموکرات کردستان یک حزب، دمکرات است. قبول کنیم که سازمان زحمتکشان، سازمان مردم زحمتکش کردستان است. قبول کنیم که حزب کمونیست کارگری نماینده کمونیسم کارگری است. یا آقای شایکانی نماینده مردم آذربایجان است. اینها را فقط باید اسمی گرفت که در بدو تولد به هر دلیل روی این موجودات گذاشته شده اند. وقتی می‌خواهیم احزاب را قضاوت کنیم باید آنها را در متن سنت اجتماعی که نمایندگی میکنند قرار بدهیم و قضاوت کنیم.**

یک معنا خوش بینی اش کم شد چون بخش زیادی از امید به سرنگونی، از سیاستها و افق میدیای جهانی و میدیای لوس آنجلسی و سنت عمیقی که در جامعه وجود دارد، گرفته میشد. و به این ترتیب این جنبشها و از جمله چپ‌های ناسیونالیست ایران هم در این ماجرا لطمه شدیدی خوردند.

**پرتو:** جریانات ناسیونالیست محلی و قومی هم به اینکه آمریکا در عراق پیروز میشود و بعد در ایران هم کاری میکند، امید بستند. شکست آمریکا به همان اندازه آنها را هم دچار بحران کرد. در نتیجه اکثرشان ائتصابات دادند چند تکه شدند. با وجود این بخشا مردم پشت سرشان رفتند. برای مثال در کردستان و خوزستان و جاهای دیگر ناسیونالیست‌های قومی و محلی تلاش کردند بخشی از مردم

به هر صورت امروز بورژوازی پرو غرب می‌خواهد جمهوری اسلامی بیافتد اما بدون دخالت مردم. وقتی مردم به حرکت درمی‌آیند بورژوازی این را می‌بیند که نظم بورژوائی زیر سوال میرود، کارگر آن جامعه به حرکت درمی‌آید و میدان برای اعمال اراده طبقه کارگر و جنبش کمونیستی آن باز میشود. وقتی زحمتکش آن جامعه به حرکت درمی‌آید دیگر فرستادن اش به خانه سخت است. بورژوازی دوست دارد تصویری به جامعه بدهد که در آن قیام و انقلاب کردن، بخصوص توسط طبقه کارگر، اصولاً نا لازم است. در نتیجه آن چیزی که به نفع بورژوازی و سلطه سرمایه داری بر زندگی مردم است را به ذهنیت مردم تبدیل میکند. گویا این منفعت مردم هم هست. جنبش‌های اجتماعی همیشه این کار را میکنند.

را پشت سر خود بسیج کنند. این پدیده را چگونه توضیح می‌دهید؟

**کورش:** جامعه ایران جامعه پیچیده ای است. در ایران ما ملیتها یا اقوام زیادی داریم، اما جنبش‌های ملی یا ناسیونالیستی زیادی نداریم. تنها جایی که جنبش ملی در آن در ابعاد اجتماعی هست، کردستان است. آذربایجان رابطه انتگره تری از کردستان با بافت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران دارد. قاجارها ترک بودند. ناسیونالیسم آذری که امروز قدم به میدان گذاشته است هنوز یک جنبش اجتماعی نیست. حتی رابطه ناسیونالیسم کرد ایران با دولت مرکزی با رابطه ناسیونالیسم کرد عراق با دولت مرکزی عراق فرق میکند. ناسیونالیسم کرد ایران ناسیونالیسم سهم خواه است. جنبش شریک شدن بورژوازی و تحصیل کرده گان ناراضی کرد در قدرت است. استقلال هیچوقت در این سنت ریشه عمیق نداشته است. به قول خودشان دموکراسی برای ایران و خود مختاری برای کردستان میخواهند. دلیل اش این است که بافت جامعه ایران با بافت عراق و یا پاکستان فرق میکند. مردم ایران دو سه انقلاب بورژوائی را با هم از سر گذرانده اند و این انقلاب‌ها و دولت‌ها و سیستم‌هایی که در نتیجه آنها شکل گرفته است به درجه زیادی مردم ایران را به هم جوش داده است. چسبندگی میان اقوام مختلف در جامعه ایران بیشتر از عراق یا پاکستان و یا ترکیه است. برای مثال تبریز پای اصلی دو انقلاب مشروطه و انقلاب ۵۷ بوده است. شیراز هم همینطور. انقلاب با کودتای آتاتورک با بعث فرق دارد. این انقلابات یک چسبندگی درونی به جامعه و مردم ایران داده است. مشکل است که در آذربایجان شعار جنگ مسلحانه چریکی ترکها علیه فارسها را بدهید. از آنجا که جامعه با هم ادغام است و چنین جنبش‌هایی به سادگی توده گیر نمی‌شوند.

احساسات فاشیستی و ناسیونالیستی امثال آقای شایگان، ناسیونالیسم



نوع پژاک، پ ک ک و سازمان زحمتکشان در شرایط عادی در آذربایجان یا کردستان ایران طرفدار زیادی پیدا نمیکنند. اینها در شرایط متعارف نمیتوانند ریشه بدهند و همه گیر شوند. رشد اینها در ایران در شرایطی تسهیل میشود که جامعه در یک حالت بلاتکلیفی یا سناریوی سیاه قرار بگیرد. در یک حالت نامتعارف، که مثلاً با حمله نظامی آمریکا شکل میگیرد رشد اینها ممکن است. رشد اینها فقط در یک جامعه مریض ممکن است و حمله آمریکا میتواند چنان جامعه ای را بوجود بیاورد. خود اینها هم به این پدیده امید بسته بودند. در نتیجه گمان نمیکنم که حمله نظامی آمریکا آنقدر که برای سازمان ناسیونالیستهای ترک و یا برای الاحواز مهم بود برای حزب دموکرات کردستان جا داشته است. حزب دموکرات و یا کومه له هم حتما حساب هایی برای حمله آمریکا باز کرده اند. اما حساب های اینها با حساب های سازمان زحمتکشان و یا فاشیست های ترک و عرب فرق دارد. در نتیجه با شکست آمریکا این جریانهای فاشیستی، بیشتر از بستر اصلی ناسیونالیسم کرد، لطمه خوردند. روشن است که همه اینها که برای حمله آمریکا کیسه دوخته بودند، در این میان جریانی چون حزب دموکرات هم یک درجه طرفدار فدرالیسم قومی میشود و همه به نوعی خود را با جهت اوضاع تطبیق دادند. ولی منفعت برنده اصلی از حمله آمریکا به ایران جریان هائی مثل پژاک، زحمتکشان و ناسیونالیسم ترک و از این قبیل جریانات لمپنی و فاشیست هستند. با شکست آمریکا سازمان زحمتکشان انگار موضوعیتش را از دست داده و من فکر میکنم جریان شایگانی و ناسیونالیسم ترک آذربایجان هم هیچ شانسی ندارد اما حزب دموکرات میماند. دموکرات و کومه له پدیده های مانده گارتری در جامعه کردستان هستند. اینها میمانند و اشکال جدیدی به خود میگیرند، ممکن است جدا شوند و یا دوباره به هم بپیوندند. با فروکش کردن خطر سناریوی سیاه، جریانهای سناریوی سیاهی تضعیف میشوند و محیط برای جریانات بستر اصلی تر، مدنی تر و اجتماعی تر باز میشود. و مبارزه

سیاسی اینها به شیوه ای که خود درست میدانند و جنبش شان ایجاب میکند ادامه خواهد داشت.

**پرتو:** شما قبلاً در جاهای دیگر گفته اید که شکست آمریکا بر احزابی که خود را چپ میدانند نیز تاثیر داشت و آنها نیز دچار بی اقبی و سردرگمی شده اند. در حالیکه این جریانات چپ در همان حال مخالف حضور آمریکا در منطقه هستند، این تناقض نیست؟

**گورش:** ببینید، اشتباه است اگر احزاب را بر اساس اسمشان دسته بندی کنیم. اگر ما قبول کنیم اسم احزاب چیزی راجع به آنها میگوید انوقت باید قبول کنیم که حزب دموکرات کردستان یک حزب، دمکرات است. قبول کنیم که

حادثه میشود و این معنی اش این بود که برای آنها بهتر میشود. این کل تصویری است که همه چپ در این دوران داشت. انتظار داشت و فکر میکرد جمهوری اسلامی فوراً میافتد. اینکه چه کسی و کدام نیرو جمهوری اسلامی را میاندازد سوال این چپ سنتی نبود. در حالیکه سوال همیشگی ما بوده است. اگر قرار است جنبش ناسیونالیستی و فاشیستی یا حمله آمریکا، جمهوری اسلامی را بیندازد که مردم خانه خراب میشوند. مگر آقای علاوی برای مردم عراق چیزی آورد؟ یا کمونیست های ایران خیلی وارد تر از کمونیستهای عراقی هستند؟

به هر حال با کم شدن امکان حمله آمریکا به ایران و غایب شدن نیروی غیبی که قرار بود جمهوری اسلامی را سرنگون کند، زیر پای

### با فروکش کردن خطر سناریوی سیاه، جریانهای سناریوی سیاهی تضعیف میشوند و محیط برای جریانات بستر اصلی تر، مدنی تر و اجتماعی تر باز می شود

این جنبش ها خالی شد و در نتیجه احساس یاس، خستگی و ضعف همه گیر شد. وقتی جنبش سرنگونی ضعیف میشود همه احساس ضعف میکنند. تا دیروز شما فراخوان میدادید به مناسبت ۱۸ تیر چندین هزار را در لس آنجلس و لندن جمع میکردید. الان به زور ۱۰ نفر را جمع میکنید. وقتی جامعه دچار رخوت میشود، این به سازمانها و احزاب هم تسری مییابد. اینها رابطه متقابل با هم دارند.

**پرتو:** سازمانهای اطلاعاتی آمریکا در گزارشی اعلام کردند که جمهوری اسلامی، پروژه غنی سازی را از سال ۲۰۰۳ متوقف کرده تاثیرات این اتفاق بر احزاب سیاسی چیست؟ بخصوص ناسیونالیست های قومی ایرانی و جریانات پروغرب و خیلی های دیگر میگفتند اگر آمریکا در عراق شکست خورده خوب در ایران میرسد. حال به نظر میرسد که بعد از این گزارش دست بوش بسته شده، عوارض سیاسی این مسئله برای این جریانات چیست؟

**گورش:** این مسئله عوارض کوتاه و طولانی مدتی دارد. کل ماجرای جنگ و سناریویی که آمریکا حول مسئله هسته ای و امکان حمله به ایران چیده بود، ناسیونالیسم ایرانی را در بن بست عظیمی قرار داد و

آنها را کنار جمهوری اسلامی قرار داد یا اصولاً منفعل کرد. و همراه با آنها کل طیفی که از این سنت تغذیه میکرد در صحنه سیاسی ایران سرگردان، فلج و بی افق شد. جنبه ملی را نگاه کنید، یک انجمن اختاپوس تام و تمام شده است.

اوضاع اخیر باعث شد که برای یک دوره در صحنه سیاست ایران فقط یک نیرو بماند که بتواند هم ضدیت با جمهوری اسلامی را نمایندگی کند و هم دفاع از مدنیت و منفعت طبقه کارگر و ضدیت با جنگ را. بخش تحزب یافته این نیرو ما بوده ایم و در بعد اجتماعی اش بخشهای زیادی از کارگران، دانشجویان و کسانی که اعتراض کردند، قرار دارند. برای مثال در ۱۶ آذر امسال پرچمی بالا میروند که این جنبش را نمایندگی میکند. و این شکستی بزرگ برای ناسیونالیسم ایرانی است. جبران این شکست برای جریانات ناسیونالیست ساده نیست. حاصل شکست آنها در این دوره عروج جنبش دیگری بوده است. این غولی است که از شیشه بیرون آمده و ساده نیست دوباره آن را در شیشه کرد.

از طرف دیگر با کم شدن خطر جنگ، ناسیونالیست های پرو غرب دوباره بعنوان اپوزیسیون جمهوری اسلامی فعال میشوند. ولی اگر چپ و کمونیسم خوب بجنبد آنها دیگر نمیتوانند جایگاه سابق را بدست بیاورند. اگر این فرصت را از دست بدهیم، طبقه کارگر و کمونیستها دوباره به جای اول شان بر میگردند.

گفتم که مساله به نظر من دو وجه دارد. وجه کوتاه مدت اش این است که با کم شدن خطر جنگ ناسیونالیسم ایرانی میتواند از جمهوری اسلامی فاصله بگیرد و بعنوان اپوزیسیون جمهوری اسلامی فعال تر شود، اما در طولانی مدت مشکل است که موقعیت سابق را دوباره بدست آورد. جنبشی که در "غیبت" این ناسیونالیسم قدم به میدان گذاشت حریف جدی برای این ناسیونالیسم است. مثلاً مشکل است که دو خردادی دمکرات شده ی تحکیم وحدت را دوباره پرچم دار اصلی اعتراض در دانشگاه کنند و کسانی که تا دیروز در کنار جمهوری اسلامی بودند را بیاورند و رهبر مردم بکنند. \*

**گزارشی از کمیته خارج کشور**

حرکتی عظیم و یکپارچه که نشاندهنده عظم راسخ ایرانیان آزادیخواه به مبارزه‌ای بی‌امان تا رهایی دانشجویان و فعالین کارگری در بند ادامه خواهد یافت. تجمع اعتراضی 28 دسامبر نمادی شورانگیز در دفاع از پرچمی که میسر رهایی انسان از بردگی و فقر و بی‌حرمتی میباید.

در این روز در شهرهای بزرگ اروپا و آمریکا صدها انسان آزادیخواه به فراخوان حزب حکمتیست و سایر احزاب و سازمانها و نهادها و شخصیتهای سیاسی و فرهنگی علیرغم سرما و بارندگی و تعطیلات آخر سال با در دست داشتن تصاویری از دانشجویان و فعالین کارگری (صالحی و اسانلو)، پرچمهایی در دفاع از اعتراضات دانشجویی و آزادی دانشجویان در بند و کارگران در مقابل سفارتخانه های رژیم اسلامی و یا میداین مرکزی شهرها و در مقابل دانشگاهها بمیدان آمدند.

در این تجمعات رهبران و کادرهای حزب حکمتیست از طریق تریبونهای آزاد همراه با نمایندگان احزاب و سازمانهای شرکت کننده سخنرانی کردند و بر آزادی فوری و بدون قید و شرط دانشجویان و فعالین کارگری از جمله محمود صالحی و منصور اسانلو، تاکید نمودند.

**لندن**

در لندن پایتخت انگلستان تجمع وسیعی در مقابل سفارت جمهوری اسلامی برگزار شد که ابتدا جمال کمانگر مسئول تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست ضمن خوش آمدگویی به شرکت کنندگان و قدردانی از اهمیتی که برای فراخوان دانشجویان قائل شده اند، تریبون آزاد را اعلام نمود و شعارهایی را به زبانهای فارسی و انگلیسی سر داد.

جمال کمانگر پیام قدردانی دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب را که خطاب به سازمان دهندگان و برگزار کنندگان تظاهراتی 28 دسامبر در خارج کشور داده بودند، را قرائت نمود.

در ادامه آذر مدرسی معاون رئیس دفتر سیاسی حزب حکمتیست سخنانی را ایراد نمود و ضمن پیام حمایت بی دریغ از دانشجویان بیان نمود که تا آزادی کامل و بدون قید و شرط یکایک دانشجویان زندانی حرکت اعتراضی خود را در خارج کشور ادامه خواهیم داد و یک لحظه از پای نخواهیم نشست. حسن زنده دل با سر دادن شعارهایی در حمایت از دانشجویان و کارگران زندانی تظاهرات را ادامه داده و جلیل جلیلی نماینده حزب کمونیست کارگری ایران سخنانی را در جمع ایراد نمود. سازمانها و نهادهای مختلف از جمله سازمان راه کارگر، اتحاد چپ کارگری و فعالین چپ و آزادیخواه منفرد که عموماً یک پای ثابت اعتراضات ایرانیان مبارز علیه جمهوری اسلامی در لندن میباشند همراه با اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران ایران- انگلستان و سازمان چپ انگلیسی بنام "اتحاد برای آزادی طبقه کارگر" و غیره حضور داشتند.

در ادامه سوفی باکلند نماینده اتحادیه دانشجویان بریتانیا (NUS) همراه با چند تن از فعالین این سازمان همچون تظاهرات 22 دسامبر در مقابل بی بی سی، حضور داشتند و حمایت بیدریغ خود را از اعتراضات رادیکال و انسانی دانشجویان اعلام نمود و متعهد شدند تا آزادی دانشجویان از هیچ تلاشی دریغ نخواهند کرد.

یکی از شرکت کنندگان متنی را خطاب به رسانه‌های بریتانیایی در رابطه با منعکس نمودن اخبار اعتراضات دانشجویان، آماده کرده بود که هر کس آنرا در ظرفیت شخصی امضا میکرد. همزمان تلویزیون پرتو از این تجمع اعتراضی رپرتاژی را تهیه نمود که رو به ایران پخش خواهد شد.

تظاهرات با دادن بیانیه ای به حمایت از دانشجویان که توسط جمال کمانگر قرائت و به تائید کل شرکت کنندگان رسید و سر دادن شعارهایی به جمع خود خاتمه داد.

**استکهلم:**

به فراخوان احزاب متعدد جمعی در میدان مرکزی این شهر

"سرگل" که محل تردد هزاران نفر میباید، تجمع کرده و با سر دادن شعار و سخنرانی به زبانهای فارسی و سوئدی حاضرین را متوجه و حمایت آنان را نیز جلب مینمودند. در این تجمع پیام دانشجویان به برگزار کنندگان تجمعات خارج کشور توسط رعنا کریمی زاده قرائت شد و رحمان حسین زاده عضو هیئت دبیران حزب سخنانی را ایراد نمود و بدنبال نمایندگان احزاب و سازمانهای شرکت کننده سخنرانی کردند و در پایان این تجمع نیز بیانیه ای در دفاعی از دانشجویان قرائت و به تصویب کلیه شرکت کنندگان رسید.

**گوتنبرگ- سوئد**

در حمایت از فراخوان سراسری دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، حزب اتحاد کمونیزم کارگری و سازمان سراسری پناهندگان ایرانی فراخوان مشترکی را در مرکز شهر گوتنبرگ اعلام کردند. با وجود هوا بشدت نامناسب بارانی و طوفانی تعداد زیادی از ایرانیان آزاده در آن شرکت کردند.

در این حرکت اعتراضی نمایندگان از جانب احزاب شرکت کننده با سخنرانی و دادن اطلاعات به زبان سوئدی توجه صدها نفر را به روز 16 آذر و عملکرد جنایتکارانه جمهوری اسلامی جلب کردند. کریم نوری، علی عبدالی، سوسن صابری و توفیق محمدی از جمله این سخنرانان بودند.

سلام زیجی در سخنرانی خود بر جایگاه ویژه 16 آذر امسال تاکید کرد و آنرا نقطه عطف جدیدی در اوضاع سیاسی ایران و روند مبارزات آزادیخواهانه مردم بر علیه جمهوری اسلامی دانست. همچنین بر تداوم این مبارزه سراسری تا آزادی همه دانشجویان تاکید کرد و از تلاش همه در این کمپین قدر دانی کرد.

سلام زیجی در پایان سخنانش، متن بیانیه را قرائت و مورد تائید شرکت کنندگان قرار گرفت.

**تورنتو - کانادا**

روز جمعه 28 دسامبر به فراخوان حزب حکمتیست، حزب اتحاد کمونیست کارگری ایران، حزب کمونیست ایران، کانون اندیشه،

گفتگو و حقوق بشر، چندین دانشجوی مستقل و سازمان زنان هشت مارچ ( ایرانی- افغانستانی ) در تورونتو، به حمایت از فراخوان دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب مبنی بر "تبدیل روز 28 دسامبر به روز اعتراض به دستگیری دانشجویان در ایران" در مقابل ساختمان شبکه تلویزیونی سی بی سی گرد همایی برگزار شد.

شرکت کنندگان با سر دادن شعار و گرفتن پلاکارد خواهان آزادی دانشجویان و تمامی زندانیان سیاسی شدند. این تجمع 2 ساعته با دادن بیانیه ای به حمایت از دانشجویان پایان یافت.

**فنلاند- هلسینکی**

تشکیلات حزب حکمتیست در فنلاند به همین مناسبت تجمع اعتراضی را در مرکز شهر هلسینکی برگزار نمود که علیرغم تعطیلات کریسمس و سال نو مورد استقبال شماری از آزادیخواهان و فعالین حزب حکمتیست و حزب کمونیست کارگری عراق قرار گرفت. شرکت کنندگان با در دست داشتن پلاکارد های که حاوی لیست و عکس رهبران و فعالین دانشجویی دستگیر شده بود، خواهان آزادی فوری آنها بودند. این آکسیون که در یکی از میداین اصلی و پر تردد مرکز شهر هلسینکی برگزار گردید

رضا کمانگر در چندین مرحله از طریق بلندگو در مورد اهداف آکسیون به زبان فنلاندی برای عابرین توضیح. همچنین خالد صالح یکی از مسئولین حزب کمونیست کارگری عراق در فنلاند بیانیه دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب را به زبان

انگلیسی برای مردم قرائت نمود. در جریان آکسیون رپرتاژ تصویری همراه با مصاحبه با تعدادی از شرکت کنندگان برای تلوزیون پرتو تهیه گردید. آکسیون با تصویب بیانیه به کار خود پایان داد.

**سوئیس- زوریخ**

تشکیلات سوئیس حزب در همین ارتباط نیز اقدام به برپایی میز کتاب اطلاعاتی در محل دانشگاه مرکزی شهر زوریخ نمود. به دنبال جلوگیری پلیس ←

و همچنین این آکسیون فریادی خشمگینانه و کوبنده به جلادان خون آشام و شلاق بدست جمهوری اسلامی بود که: مطمئن باشید هزینه این وحشیگریها را خواهید پرداخت.

شرکت کنندگان در این آکسیون با سر دادن شعارهایی خواستار سرنگونی جمهوری اسلامی و آزادی کلیه زندانیان سیاسی شدند. در پایان آکسیون شرکت کنندگان با تصویب بیانیه ای به آکسیون خود پایان دادند.

\*\*\*

برگزار میشود شرکت نمایند.

### لوس آنجلس-آمریکا

روز 29 دسامبر آکسیونی بنا به فراخوان مشترک حزب کمونیست کارگر ایران- حکمتیست و حزب اتحاد کمونیست کارگری ایران در مقابل ساختمان فدرال لس آنجلس برگزار شد. این آکسیون لیبکی بود به دعوت دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب برای تبدیل روز 28 دسامبر به روز جهانی اعتراض به دستگیری دانشجویان مبارز دانشگاههای ایران

گالری دانشگاه به پخش اعلامیه ها به زبان آلمانی ادامه بدهند، در پانل پایانی گالری هنر نیز به محمود رهبری مسئول تشکیلات سونیس حزب حکمتیست اجازه داده شد ضمن قرائت بیانیه در مورد آخرین اخبار وضعیت دانشجویان در بند صحبت کند و شرکت کننده گان با سوت کشیدن و کف زدن مقابل عکس های دانشجویان همبستگی خود را با این عزیزان اعلام نمود. در ادامه نیز از تشکیلات حزب حکمتیست دعوت بعمل آوردند تا در اجلاس گزارشگران آزاد وابسته به دانشجویان دانشگاههای سونیس که در اواخر بهار آینده

در محل و در حالی که مدیریت دانشگاه این اجازه را صادر کرده بود میزکتاب در مدت کوتاهی جمع آوری گردید ولی در همان زمان کوتاه فعالین حزب با در دست داشتن پلاکارد هایی حامل عکس دانشجویان در بند و صحنه های زد خورد مامورین جمهوری اسلامی با دانشجویان موفق به جلب تعداد زیادی دانشجو و افرادی که قصد بازدید از گالری هنری دانشگاه را داشتند، گردیدند و باعث شد بعد از فشار پلیس و جمع آوری میز کتاب بتوانند به دعوت مسئول گالری هنر در محل ورود

## بیانیه پایانی تجمع های اعتراضی ۲۸ دسامبر ۲۰۰۷ در خارج کشور

در حمایت از فراخوان دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب ما ایرانیان و مردم آزادیخواه و احزاب و نهادها و شخصیتهای سیاسی در اجتماع اعتراضی خود گرد آمدیم. ما انزجار شدید خود را از سرکوبگریهای جمهوری اسلامی در دانشگاهها و دستگیری و شکنجه فعالان دانشجویی در دانشگاههای ایران اعلام می داریم. ما خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط تمام فعالین دانشجویی، فعالین کارگری، فعالین جنبش زنان و فعالین حقوق مدنی و اجتماعی هستیم. ما همچنین اعلام می داریم که تا آزادی تمام دستگیر شدگان مراسم های 16 آذر و آزادی دیگر فعالین کارگری، سیاسی و مدنی به اعتراض خود به شیوه های مختلف ادامه خواهیم داد.

### در همین رابطه تاکید میکنیم:

- 1- دانشجویان دستگیر شده به مناسبت 16 آذر فوراً باید آزاد شوند. به شکنجه و اذیت و آزار دستگیر شدگان باید پایان داده شود.
- 2- منصور اسانلو، محمود صالحی و همه زندانیان سیاسی باید آزاد شوند.
- 3- به حضور نیروهای نظامی و انتظامی در دانشگاهها پایان داده شود. دانشگاه محل تحصیل و کسب دانش است و پادگان نیست.
- 4- ما از فعالیتهای موثر خانواده دانشجویان زندانی قویا حمایت میکنیم و به تلاشهای آنها درود میفرستیم.
- 5- ما خواستار اتحاد و همبستگی کارگران، دانشجویان، زنان و همه جنبشهای اعتراضی رادیکال جامعه ایران علیه جمهوری اسلامی هستیم.
- 6- ما از همه احزاب و جریانات چپ و مترقی و کارگری، از همه سازمانها، نهادها و شخصیتهای مدافع حقوق انسان در سراسر جهان، میخواهیم به هر نحو ممکن بر جمهوری اسلامی اعمال فشار کنند و خواستار آزادی فوری دستگیر شدگان اخیر و کلیه زندان سیاسی ایران بشوند.

شایان توجه است که تشکیلات خارج حزب حکمتیست در عکس العمل سریع و اعتراض به دستگیری دانشجویان در روزهای 4 و 22 دسامبر در بریتانیا در مقابل بی بی سی به همراه سایر جریانات مختلف تجمع اعتراضی وسیعی را برگزار نموده و همچنین تشکیلاتهای حزب در هامبورگ، استکهلم و گوتنبرگ تجمعیهای اعتراضی را با جریانات سیاسی دیگر برگزار و در عین حال در کشورهای مختلف موفق به جلب حمایت وسیع اتحادیههای دانشجویان و معلمان و کارگران و سازمانها و نهادهای چپ درون جنبش کارگری و دانشجویی شده است

تلاش بی وقفه برای نجات جان کلیه دانشجویان و فعالین کارگری که در سیاه چالهای رژیم منحوس اسلامی نگاه داشته شده اند، در اشکال گوناگون ادامه خواهد یافت.

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست ضمن قدردانی از زحمات یکایک زنان و مردان آزادیخواه و جوانان انقلابی و پرشور که در فاصله دستگیریهای اخیر تاکنون کشیده اند، همه را به استمرار این تلاشها در اشکال مختلف فرا میخواند.

زنده باد دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب

دانشجوی زندانی آزادی باید گردد

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باید آزادی برابری حکومت کارگری

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری- حکمتیست

۳۱ دسامبر ۲۰۰۷

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی

ادامه از ص ۱

### وزارت اطلاعات ...

نماینده کمیته تالاس برای رهایی دانشجویان در بند گزارش می دهد که پس از ورود اولین سری از خانواده های دانشجویان در بند به سالن ملاقات، و پس از مدت طولانی ای انتظار، از صورت پیرفتن ملاقات ایشان با عزیزانشان جلوگیری شد.

طبق این خبر، پس از انتظار اولین سری ۱۰ نفره از خانواده های دانشجویان بازداشت شده در سالن ملاقات، فردی از بازداشتگاه ۲۰۹ به میان ایشان آمده و مدعی می گردد که برای امروز هیچگونه ملاقاتی برنامه ریزی نشده است. و هنگامیکه با اعتراض خانواده ها، دال بر اینکه مجوز

این ملاقات از طرف دادستانی تهران صادر گشته و طبق این مجوز نام سری اول ملاقات کنندگان در مقابل درب ورودی به سالن ملاقات خوانده شده است، روبرو می گردد، در پاسخ می گوید که: او مسئول پاسخگویی تصمیمات دفتر دادستانی تهران نبوده و وزارت اطلاعات چنین مجوزی را صادر نکرده است. این در حالی است که خانواده هایی که امروز به دفتر معاونت دادستانی تهران مراجعه کرده اند، تاریخ ملاقات ایشان با عزیزانشان طبق لیست های سه گانه به ایشان اعلام گشته است. نماینده کمیته تلاش می افزاید که جمع شدن تمامی خانواده های دانشجویان در بند که همراه با خانواده های لیست اول در مقابل

درب سالن ملاقات زندان اوین حاضر گشته بودند، پس از شنیدن امتناع مسئولان بازداشتگاه ۲۰۹ از انجام این ملاقات، از پراکنده شدن خودداری کرده و به جمعی خشم آلود و معترض تبدیل گشته اند که اعتراض ایشان به رفتار مسئولان حکومتی همچنان ادامه دارد. بند ۲۰۹ زندان اوین در اختیار وزارت اطلاعات است و به تصمیم دستگاه قضایی وقعی نمیگذارد. تلاش خانواده های دانشجویان و حضور دستجمعی شان در جلو زندان اوین ادامه دارد. بنا به خبر عابد توانچه محمدا دستگیر و او هم به اعصاب غذای دانشجویان در بند پیوسته است. تلاش دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب همه دانشگاهها و

ادامه از ص ۲

### مجامع عمومی کارگری ...

و معیشتشان بشوند. جایگزینی نمایندگان منتخب در هر مجمع عمومی هم ادامه کاری مبارزه و تلاش کارگران راتامین و هم امنیت نمایندگان خود را تضمین میکند.

با وجود مجمع عمومی دایما در دسترس و به این معنا منظم، نفوذ هیچ کارفرمایی در میان کارگران برای به بیراهه بردن کارگران ممکن نیست. هیچ کارفرمایی نمیتواند همه کارگران یک محل کار را که تک تک عضو مجمع عمومی هستند، بفریبد، بخرد و یا تهدید کند و بترساند و در میان کارگران تفرقه درست کند.

یک نماینده کارگری ممکن است اشتباه کند، فریب داده شود یا به سازش کشیده شود، اما نماینده ای که عضو مجمع عمومی کارخانه است و با هر بار تشکیل مجمع عمومی قابل عزل و نصب است، امکان تکرار لغزش و خطای او وجود ندارد، چرا که ماموریت او از این مجمع عمومی تا بعدی است که ممکن است یک ماه و یا حداکثر ۳ ماه باشد و یا در شرایط اضطراری ممکن است مجمع عمومی فوق العاده تشکیل شود. مجمع عمومی سنگر همین امروز کارگران برای دفاع از حقوقشان، برای گرفتن حقوقهای معوقه، برای لغو قراردادهای موقت کار، علیه طرح

تعدیل و برای افزایش سالانه دستمزدها به نسبت تورم و نیاز خانواده کارگری است. مجامع عمومی همچنین در شرایط تحولات سیاسی مهم محل ابراز وجود طبقه کارگر به عنوان حامی جنبشها و اعتراضات و مبارزات در جامعه است. بیانیته و قطعنامه حمایت میدهد و رژیم را از تعرض به آزادیها و پامال کردن حرمت انسان در جامعه، حرمت زن و کودک و از دستگیری و زندان و شکنجه برحذر میدارد و هشدار میدهد... علاوه بر این، مجمع عمومی، اساس و پایه شوراهای کارگری برای ایجاد حکومت کارگری است. تامین این اتحاد و تشکل در عمل ساده اما بسیار بزرگ و عظیم بر عهده کارگران چپ و سوسیالیست افتاده است که ضمن مبارزه حتی دفاعی امروز برای گرفتن دستمزدهای معوقه کارگران، افقشان را که برچیدن نظام سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم است گم نمیکنند، ضرورت و فوریت حزب کمونیستی برای قدرت سیاسی را میشناسند و طبقه کارگر را در این مسیر هدایت میکنند. مجامع عمومی کارگری را همین امروز برپا کنیم. آن را مستقر و منظم کنیم. نمایندگان و هیاتهای نمایندگی منتخب مجامع عمومی را به جلو بفرستیم و خود در همین سنگر غیر قابل تعطیل و تسخیرناپذیر پشت نمایندگان و رهبران کارگری بایستیم \*

”... جامعه باید آزادی انسان را تضمین کند. آزادی به معنی آزادی از سرکوب و اختناق سیاسی، آزادی از اجبار و انقیاد اقتصادی، آزادی از اسارت فکری، آزادی در تجربه ابعاد مختلف زندگی انسانی، آزادی در شکوفایی خلاقیت های بشری و آزادی در تجربه ابعاد عظیم عواطف انسانی.

جامعه باید تضمین کننده برابری انسانها باشد. برابری نه فقط به معنی برابری در مقابل قانون بلکه برابری در برخورداری از امکانات و نعمات مادی و معنوی جامعه. برابری در حرمت و ارزش همه انسانها در پیشگاه جامعه.“

”... آزادی بشر از نظر بورژوازی، در اساس، آزادی استثمار کردن و استثمار شدن است. آنجا هم که پای حقوق بشر به میان کشیده میشود در بهترین حالت حقوق سیاسی مشروط و محدودی تصویر میشود که استفاده از آن برای اکثریت کسانی هم که شامل آن شده اند ممکن نیست. آزادی و برابری با انقیاد اقتصادی متناقض است. حقوق بشر سرمایه داری با مسکوت گذاشتن این واقعیت نمیتواند پاسخگویی نیاز انسان باشد. بیانیته حقوق بشر تضمین کننده آزادی و برابری انسانها نیست. ابزار جلوگیری از طغیان مردم آزادیخواه و برابری طلب است. وسیله ای برای ممانعت از جلب مردم و متفکرین و آزادیخواهان به ابعاد عمیقتر حقوق بشر و درک تناقض حقوق انسان با ماهیت نظام سرمایه داری است.“ (از بیانیته حقوق جهانشمول انسان)